نقد بیان علامه طباطبایی در تفسیر آیات متشابه و تقویت فواتح السور به‌عنوان محکمات

شاگرد: علامه این را به‌عنوان اشکال مطرح می‌کنند.

استاد: ایشان حرف ابوفاخته را هم در می‌کنند.

شاگرد: می‌گویند خطاب «ای ایها الناس» از کار می‌افتد. به اینجا می‌رسانند.

استاد: ایشان وقتی به «اللّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتاباً مُتَشابِهاً[1]» می‌رسند، مطلبی را می‌گویند. درحالی‌که در المیزان می‌خواهند «یفسیر بعضه بعضاً» باشد، درحالی‌که این یکی از موارد استثناء آن است. می‌گویند «متشابه»ی که در اول سوره مبارکه آل عمران است، با این «متشابه» فرق دارد. خب «بعضه علی بعض» چطور شد؟! چراهای ندارند روی مبانی خودشان حرف بزنند. من جلوتر اینها را عرض کردم که دو معنا نیست. اینها را می‌توانیم کاملاً با هم درست کنیم. چطور؟ شما حرف ابو فاخته را که از اصحاب امیرالمؤمنین است، در کردید. ابوفاخته گفت: ام الکتاب که از محکمات است، فواتح السور است. بعد مثال می‌زنند به «الم، منها یستخرج سوره بقره». این را گفت. ایشان چه جوابی می‌دهند؟ فرمودند آیه می‌گوید «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتابَ مِنْهُ آياتٌ مُحْكَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتابِ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِيلِهِ[2]»؛ یعنی از متابعت آیات متشابه منع شده است. خب اگر این‌طور که شما می‌گویید تنها فواتح سور محکمات باشد، کل قرآن متشابه می‌شود. درحالی‌که از کل قرآن منع نشده است. این جواب ایشان در المیزان بر ابوفاخته است.

من در آن جا عرض کردم، آیه که از اتباع متشابه منع نکرده است. می‌گوید «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِيلِهِ»، پس منع نشده. خب حالا برگردیم. ابو فاخته می‌گوید محکمات و متشابهات. روی مبانی او هر کجا صحبت از محکمات و فواتح سور است، صحبت از تشابه نیست. «الر كِتابٌ أُحْكِمَتْ آياتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ[3]»؛ فقط «احکمت» را می‌گوید، نه «تشابه» را. چرا؟ چون «الر» است. چون «الر» روی مبانی ابوفاخته فواتح السور است، پس ام الکتاب است. و ام الکتاب محکمات است. لذا می‌گوید «احکمت». «الکتاب»؛ همه آن است. «منه آیات محکمات و منه متشابهات». آن آیه‌ای که فقط «متشابه» را فرموده، چیست؟ آن نمی‌گوید «الکتاب». او می‌گوید «اللّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ».

«الزمر» حدیث است؟! نزد مردم حدیث است؟! حدیث نیست. پس جایی که قرآن کریم احسن الحدیث است، فقط در متشابهات است. «اللّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كتابا متشابها»، این کجا علیه حرف ابو فاخته می‌شود؟! بلکه کاملاً با آن همآهنگ است. ایشان که این تفصیل را ندادهاند، می‌گویند آن جایی که قرآن می‌فرماید محکم و متشابه داریم، با اینجا که می‌گوید کل قرآن متشابه است، باید دو جور معنا کنیم. آن متشابه به آن معنا است. این متشابه به‌معنای دیگری است.

شاگرد: فرمایش حضرت عالی با اعتبار سنجی محتوایی سازگار هست، ولی این آقایان دو نگاه در ذهنشان هست. یکی اعتبار سنجی روایات مثل نقلی که از ابن عباس هست و ...، اما بحث سندی را به‌عنوان اشکال مطرح می‌کنند، دوم اینکه... .

استاد: مباحثهای که کردیم از آیات قرآنی شروع کردیم. «نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْيانًا لِكُلِّ شَيْءٍ [4]». از خود آیات شروع کردیم که در فدکیه هم آمده است. خب سند آیات که ضعیف نیست.

شاگرد: مرحوم علامه درجایی‌که قرائن سیاقی را مطرح می‌کنند... .

استاد: در برخی از آن‌ها این قرائن نیست. یکی می‌گویند از «وَ هُدىً وَ رَحْمَةً»، معلوم می‌شود که «تبیانا لکل شیء»، از باب هدایت است. درحالی‌که در آیه دیگری همین هم در آن نیست. به‌خصوص که وقتی یک آیه پیدا شد که از آن فهمیدیم به قرآن اطلاق «کتاب مبین[5]» می‌کنند، در جای دیگری هم که می‌گوید «کتاب مبین[6]» ما رادعی از آن نداریم. یعنی بگوییم «وَ لا رَطْبٍ وَ لا يابِسٍ إِلاّ فِي كِتابٍ مُبِينٍ» که این «کتاب مبین» یعنی یک چیزی در ملکوت!

شاگرد: یعنی حضرت عالی این استظهار را از قرآن دارید و روایات را موید می‌گیرید؟

استاد: بله.

شاگرد: تقریباً شهرت عظیمه ای هست که علماء امامیه چنین نظری را داشتند.

استاد: پس روایاتی که در کافی هست را بگوییم ضعیف است؟ حضرت که می‌گویند «علمت من کتاب الله[7]»، اینها همه هیچ می‌شود؟! یعنی مشهور بین علماء شیعه این است که این روایات کافی همه روی هوا است؟!\

---

[1] الزمر ۲۳

[2] آل عمران ۷

[3] هود ۱

[4] النحل ۸۹

[5] النمل ۱؛ طس تِلْكَ آياتُ الْقُرْآنِ وَ كِتابٍ مُبِينٍ

[6]الانعام ۵۹؛ وَعِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها إِلاّ هُوَ وَيَعْلَمُ ما فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلاّ يَعْلَمُها وَلا حَبَّةٍ فِي ظُلُماتِ الْأَرْضِ وَلا رَطْبٍ وَلا يابِسٍ إِلاّ فِي كِتابٍ مُبِينٍ.

[7]بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ؛ ج ۱ ؛ ص ۴۷-۴۸

بازبینی #2
ایجاد شده 1 مه 2024 13:36:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئن 2024 14:28:38 توسط ... .